

نوجوانان هم مقدار زیادی هیزم جمع کرده و در آنجا می‌گذارند. یک روز قبل هم چند نوجوان و یکی دو نفر بزرگسال راه می‌افتند و برای تهیه و خرید «قربانی» از اهالی پول جمع می‌کنند. در سحرگاه روز جمعه، اهالی با لباس‌های سفید و پاکیزه و اغلب با دهان روزه در محل «قبله باران» جمع می‌شوند و با آب برکه بی‌بی و یا با آبی که به همراه آورده‌اند، وضو می‌گیرند و همه با هم پشت سر امام جماعت دو رکعت نماز استسقا می‌خوانند. بعد از آن دعای باران می‌خوانند. در «قبله باران» مادرها به همراه نوزادهایشان شرکت دارند که در هنگام خواندن دعا آنها را از هم جدا می‌کنند. همین‌طور سالارها و ساریبان‌ها، شترهایشان و چوپان‌ها، گاوها و بزهایشان را می‌آورند و در قبله باران، «گذگول»ها و «کوواد»ها و گوساله‌ها و بزغاله‌ها را از مادرانشان دور کرده و گرسنه نگه می‌دارند تا سرو صدایشان به همراه گریه نوزادها و فریاد مادرها غوغایی به پا کند.

دعای باران در قبله باران بعد از نماز و در چنین حال و هوایی خوانده می‌شود:

خداوندا به ما باران بده

رحم فرما تو، به ما باران بده

هم به حق مصطفی ختم الرسل

هم به حق مرتضی باران بده

ما گنه کاریم، از جرم و گناه

عذر خواهیم ای خدا باران بده

بندگان عاجزانند، ای خدا

لطف و احسانی نما باران بده

هم به جاه خاتم پیغمبران

هم به جاه مرتضی باران بده

بعد از خواندن دعای باران، مراسم قربانی انجام می‌شود. گوشت قربانی را بین فقرا و مستمندان تقسیم می‌کنند. روزه دارها، روزه خود را ظهر هنگام پا پلو و گوشت بی نمک می‌کشایند.

اهالی معتقدند که پری‌ها از تمام غذاهایی که در «قبله باران» خورده می‌شود، سهم می‌برند و چون پری‌ها غذای شور دوست ندارند، این غذا بدون نمک تهیه می‌شود و کسی هم حق ندارد به غذایش نمک بزند. قسمی‌ها خشکسالی را ناشی از قضا و بلایی می‌دانند که از طرف پری‌ها گریبانگیر آدم می‌شود.

در یکی از روستاهای قشم به نام «باسعیدو» چه باران بیاید و یا نباید دوبار در سال «قبله باران» را انجام می‌دهند و این مراسم را در امامزاده‌ی روستا به نام «سیدامیر» برپا می‌کنند. این مراسم هیچ سالی ترک نمی‌شود. در این روز، گوسفندی هم در امامزاده ذبح کرده و بین مستمندان تقسیم می‌کنند.

در روستای «طبل»، «قبله باران» را در مسجد جامع روستا اجرا می‌کنند و در بامداد روز جمعه قبله باران، سوره انعام را می‌خوانند و بعد از آن دو رکعت نماز باران به جا می‌آورند. «طبلی»ها هم مراسم قربانی را انجام می‌دهند و به غذاهایی که در آن روز پخته می‌شود، نمک نمی‌زنند و سهمی هم برای پری‌ها در گوشه‌ای از حیاط مسجد قرار می‌دهند. در آن روستا ترانه خوانی بچه‌ها دو سه روز قبل از «قبله باران» برپا می‌شود.

چون چکلو هوا شود

هور و بارو ناشود

شب بارون و روز بارون

قبله برق آزن بارون

از دست گنه کارون

شب بارون و روز بارون

ای بارون مرواری

تا که تو نمی‌باری

کندال پر هو می‌شه

انبار پرخو می‌شه

در روستای دیرستان، برای «قبله باران» یکی از ریش سفیدهای مومن روستا با کمک یک نفر دیگر با سیخی که در دست دارد، حریم روستا را از روز شنبه تا روز جمعه خط می‌کشد. در این سه روز کسی از روستا خارج نمی‌شود و تمامی مردهای روستا، روزه می‌گیرند. در پایان این سه روز، بامداد روز جمعه، همه مردان پای پیاده به زیارتگاه روستا می‌روند. نماز طلب باران را می‌خوانند.

زنان هم نهار آن روز را بی نمک می‌پزند و از آن یک بشقاب به همسایه می‌دهند و اعتقاد دارند که پری‌ها از این بشقاب غذا سهم می‌برند. در جزیره هرمز برای باران خواهی، سیدی مومن و پرهیزگار را انتخاب کرده و بر گردنش پارچه‌ای انداخته و سی پاره قرآن در دست، دور تا دور جزیره او را می‌گردانند و سپس او را به امامزاده علی می‌برند و در آن جا پیش پای او، گاوی را که از قبل با همیاری اهالی تهیه کرده‌اند، قربانی می‌کنند و گوشت آن را بین فقرا و مستمندان تقسیم می‌کنند. بعد از انجام قربانی، مردها به نماز می‌ایستند و نماز طلب باران می‌خوانند. در جزیره در گذشته، برای این که باران بیاید، صیادان به زیارتگاه خضر در جزیره می‌رفتند و بز سالم و چهارماهه به بالاتری را انتخاب و دو تا خلخال از پیروزن فغبری گرفته در گردن بز می‌انداخته و بر درخانه‌ها می‌گردانند، به این نیت که قضا و بلا و خشکسالی و نکبت را با خود ببرد. سپس بز را به زیارتگاه خضر برده و بعد از زیارت، بز را دور تا دور می‌چرخاندند و آن را چهار شقه کرده و در چهار طرف امامزاده پرت می‌کردند و معتقد بودند که با این کار قضا و بلا دور شده باران خواهد بارید. گاهی اوقات هم با جمع کردن پول، کمی برنج، گوشت و خرما خریده و زن در «قلعه پرتغالی‌ها» اجاق درست کرده، آن را می‌پزند و در بشقاب‌هایی برای پری‌ها در اطراف قلعه می‌گذارند تا پری‌ها از آن بخورند و از نفرین خود در حق آدمی بگذرند تا باران بیارد.

در «قبله باران» مادرها به همراه نوزادهایشان شرکت دارند «گذگول»ها و «کوواد»ها و گوساله‌ها و بزغاله‌ها را از مادرانشان دور کرده و گرسنه نگه می‌دارند تا سرو صدایشان به همراه گریه نوزادها و فریاد مادرها غوغایی به پا کند  
دعای باران در قبله باران بعد از نماز و در چنین حال و هوایی خوانده می‌شود:

ای خداوندا به ما باران بده

رحم فرما تو، به ما باران بده

هم به حق مصطفی ختم الرسل

هم به حق مرتضی باران بده

ما گنه کاریم، از جرم و گناه

عذر خواهیم ای خدا باران بده

بندگان عاجزانند، ای خدا

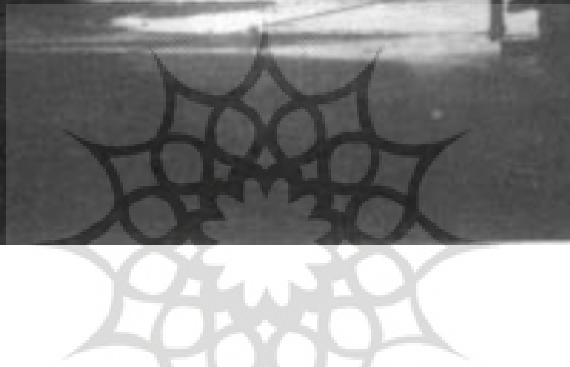
لطف و احسانی نما باران بده

هم به جاه خاتم پیغمبران

هم به جاه مرتضی باران بده

# مراسم قبله باران

افشین نادری



مُشکثو» راه می‌اندازند. چند نفری به درخانه‌ها می‌روند و با همراه کردن بچه‌های آن خانه ترانه می‌خوانند و نقل و شیرینی از صاحب خانه می‌گیرند. ترجیع «ان‌شالله» را در این ترانه صاحب خانه و اطرافیان تکرار می‌کنند:

مُشک مُشکثو ان شالله (مشک کنایه  
علف گیاه)  
کُنن ریشکو ان شالله (ریشه کنند)  
خدایا بارون هادیت ان شالله (خدایا بار  
بفرست)

به مکینون هادیت ان شالله  
به جو کارون هادیت ان شالله  
ان شالله ان شالله ان شالله

بچه‌ها در تمام خانه‌ها را می‌زنند و اگر در آن خانه بچه‌ای باشد حتماً همراهشان می‌شود. این مراسم در شهر قشم از غروب شروع می‌شود و گاهی تا نزدیک صبح طول می‌کشد. با این کار اهالی از اجرای مراسم «قبله باران» با خبر می‌شوند. «قبله باران» را تنها در روز جمعه برگزار می‌کنند و مردها باید سه روز جلوترش را روزه بگیرند. «قبله باران» را در قشم در کنار برکه «بی بی» در پای درخت سدر کهنسال برپا می‌کنند. پیش از انجام مراسم، محلی که برای «قبله باران» در نظر گرفته شده است، توسط زنان، روفته و پاکیزه می‌شود.

روستاهای ساحلی و جزایر خلیج فارس در کنار دریایی از آب از بی آبی و تشنگی می‌سوزند.

آبی که از زمین آن جا برمی‌آید، شور است و تلخ و چنین است که هر قطره‌ای که از آسمان خشک بیارد در برکه‌ها و آب انبارها که بسیاری جمع می‌شود. اغلب برکه‌ها را با سقف‌های گنبدی شکل با بادگیرهایی که مانع گندیدگی آب می‌شوند، پوشانده‌اند. ده‌ها نظر قربانی که داخل برکه از سقف آویزان شده، پروانه‌گانی در باد هستند که آب را از آسیب بیماری‌ها در امان نمی‌دارند و موهبت برکه گاه خود بلای جان جنوبی تشنه است. (زیبا عرشی: سرزمین ما ایران، ص ۲۰)

قشمی‌ها همیشه چشم به آسمان دارند و منتظر باران بوده‌اند. آب کشاورزی‌شان تنها از طریق آب چاه و آب باران تأمین می‌شود که آب چاه هم به آب باران بستگی دارد. در بعضی از روستاهای قشم، اصلاً تنها در صورتی که بارندگی خوب باشد امکان کشاورزی هست. همین که آب برکه خشک شد و از باران خبری نشد، قشمی‌ها برای باران خواهی به «قبله باران» می‌روند. در بعضی از روستاهای قشم، این مراسم دوبار در سال انجام می‌شود و برای اجرای مراسم به امام زاده‌های خاصی می‌روند. ولی معمولاً «قبله باران» قدم‌گاه، یا امامزاده ویا زیر درخت سدری (کنار) است. مردم جنوب، سدر (کنار) را از درخت‌های نظر کرده می‌دانند و اعتقاد دارند «سدر» همان درختی است که آب حیات پای آن ریخته است. برای خبررسانی انجام مراسم «قبله باران» بچه‌ها جمع می‌شوند و «مُشک،